

سلبریتی‌ها و بومرنگ شبکه‌های اجتماعی

پیشنهادهای اروپا

- مراودات محدود به دارو و غذا
- تهاتر و حواله غیر مالی
- نخریدن نفت
- نقش آفرینی اروپا به صورت نیابتی

فرهنگستان

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی، صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
توران ۴۰۰۰ تومان
شهرستان‌ها و واحدهای دانشگاهی ۱۵۰۰ تومان

شماره مسلسل ۲۴۳۸
تکثیریه ۹ تیر ۱۳۹۸
۲۶ شول ۱۴۴۰
۳۰ ژوئن ۲۰۱۹
شماره ۲۸۰۰

www.fdn.ir | Sun | 30 Jun 2019 | vol.10 | No. 2800 | 16 Pages

چرا ایران باید مسیر کاهش تعهدات خود را جدی تر طی کند

اینستکس

پروژه مه‌هار ایران

اینستکس با حداقل خواسته‌های ایران از اروپا هم فاصله معناداری دارد

انتقارات ایران

- عدم پایبندی اروپا به تحریم‌های آمریکا
- ایجاد کانال مالی و امکان برداشت پول
- فروش نفت به میزان برجام
- ارتباط مستقیم تجاری با اروپا



شهرام کرمی، مدیرکل هنرهای نمایشی در گفت‌وگو با «فرهنگستان»:

شیوه ورود پول به تئاتر گرفتار خلأ قانونی است

خبرنگار «فرهنگستان» سراغ مسافران متفاوت مترو رفته؛ دستفروش‌ها!

متروی تهران؛ بزرگ‌ترین فروشگاه متحرک دنیا



در نشست علمی «چشم‌انداز طرح یک کمربند یک جاده و جایگاه جمهوری اسلامی ایران» بررسی شد

آرایش چین در جنگ اقتصادی با آمریکا

راهکار دانشگاه‌های چینی برای مرجعیت‌زدایی از ISI

کفتار

شهید بهشتی می گفت در خلیج فارس تبعیض در امنیت رانمی پذیریم

رحیم پور ازغدی در مراسم یادبود شهدای هفتم تیر:

حکومت اقلیت هستیم. می‌گویید حواس‌تان باشد ما باید به‌شدت به هم نزدیک تر شویم، نه نزدیک بلکه پیوسته شویم. نیروهای انقلاب اکثریت را در جامعه دارند و مردم با آگاهی و ایمان راسخ در خط انقلاب ایستاده‌اند اما مردم دل‌شان به ما در حکومت گرم است که بعد از ده‌ها هزار شهید و این همه مصیبت و گرفتاری که هروقت خطر می‌شود مردم به صحنه می‌آیند و از نظام و انقلاب دفاع می‌کنند بعد به ما می‌سپارند و به خانه‌های‌شان می‌روند و به هوای ما هستند و ما در حکومت اقلیت هستیم. ما در سازمان‌های حاکمیتی و ساختارهای دولتی در اقلیت هستیم؛ تعارف نمی‌کنیم. در همه موسسات و وزارتخانه‌هایی که از قیل از انقلاب بودند، نیروهای انقلابی و مومن به‌طور طبیعی در اقلیت هستند. ما اگر نتوانیم ساختارها را انقلابی کنیم بعد از یک مدتی خود ما و شما که در این وزارتخانه‌ها هستیم یا حذف می‌شویم. دقت کنید! این اتفاق افتاد، بعضی‌ها همض و بعضی‌ها حذف شدند. یعنی یک آدم انقلابی تکیه لاغر حزب‌اللهی سال شصتی یک‌مرتبه در دهه زمان بود قطعاً جلوی امثال بهشتی و این شهدا می‌ایستاد. اگر او نمی‌ایستاد اینها جلوی‌شان می‌ایستادند. می‌گویید حواس‌تان باشد که ما نمی‌توانیم و نمی‌خواهیم به ستون قدرت حکومت تکیه کنیم و همه کارهای‌مان را فقط با قدرت پیش ببریم و بگوییم دولت، دولت ماست و حکومت امروز، حکومت ماست. تا حدی می‌توانیم این کار را بکنیم و می‌شود بکنیم. بیش از حد اگر بشود اثر عکس خواهد داشت. ما باید به‌لحاظ نرم‌افزاری و محتوایی انقلاب را در ساختارهای حکومت و سه‌سوه به‌نحوی نهادینه کنیم که فردا که ما مردیم یا شهید شدیم یا اصلاً ما را حذف کردند، این ارزش‌ها را از ساختارهای حاکمیت نتوانند حذف کنند، والا ما به مردم و اسلام خیانت کرده‌ایم.

کدوازه دوم می‌گوید ما به شرطی ماندنی خواهیم بود که به مردم خدمت کنیم. تنها کسی که می‌تواند ما، این انقلاب و این نگاه انقلابی را داخل حکومت نگه دارد مردمند و مردم‌فقط کسانی را حفظ می‌کنند که به آنها خدمت کنند. ایشان می‌گویند من این را پراگماتیسمی، منفعت‌طلبانه و قدرت‌محورانه طرح نمی‌کنم. این سنت الهی است که خدای تعالی در قرآن می‌فرماید: «ما ینفع الناس فیمکت فی الارض». آنچه به بشریت خدمت کند و به مردم نفع برساند آن می‌ماند. محال است ساختارهای حکومتی و سیستمی باقی بمانند در حالی که به مردم خدمت نمی‌کند و به‌جایش به خودش خدمت می‌کند. بهشتی می‌گوید اگر به استناد سنت قرآنی، ما حکومتی را ساختیم، اگر تک‌تک نهادهای حکومتی نتوانند به مردم خدمت کنند آن طوری که وظیفه‌شان در قانون تعریف شده است و ادعا کردند و شعار دادیم و به‌نحوی خدمت نکنند که مردم باور کنند که اینها خادم هستند، شهید بهشتی می‌گوید ولو همه ما شهید شویم، شکست خواهیم خورد چون ما از اصحاب ابعادالله (ع) که الهی‌تر و خالص‌تر نیستیم! شکست می‌خوریم. این نهضت سقوط می‌کند. بعد از دادن ده‌ها هزار شهید می‌گویید یک راه بیشتر نداریم. نباید بگذاریم ایمان‌مان به زمان‌هایمان پزمرده و ضعیف شود، اگر خودمان در این شعارها شک کنیم دیگران حتماً بیش از ما هم به این شعارها هم به ما شک خواهند کرد. وقتی خودمان شک کنیم ما مردم احساس کنند ما دیگر خودمان این حرف‌ها و

مراسم بزرگداشت شهادت آیت‌الله بهشتی و دیگر شهدای دفتر حزب جمهوری اسلامی ایران، جمعه هفتم تیرماه در محل یادمان شهدای هفتم تیر (سرچشمه) برگزار شد. به گزارش «فرهنگستان»، حسن رحیم‌پورازغدی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در این مراسم به سخنرانی پرداخت. آنچه در ادامه می‌آید مشروح سخنرانی این استاد حوزه و دانشگاه است.

«برای بچه‌های نسل جدید عرض می‌کنم، این محل که قتلگاه شهدای حزب بود عملاً در آغاز دهه ۶۰ (که حساس‌ترین سال‌های شکل‌گیری نظام پس از انقلاب بود)، در واقع قرارگاه رهنبری بچه‌های انقلاب و نیروهای مظلوم حزب‌الله در آن دوران بود. بین همه شخصیت‌های مجاهد و بزرگوار که در حزب جمهوری اسلامی آن موقع فعالیت می‌کردند، آیت‌الله بهشتی - عملاً و نه اعتباراً- تقریباً رهبری اصلی فکری و در صحنه سیاسی برای جبهه انقلاب بود. این احترامی که امروز و این سال‌ها شهید بهشتی دارد در سال‌های ۵۸، ۵۹، ۶۰ نداشت. آقای بهشتی چنان مورد بهمان‌ان رسانه‌ای و تبلیغاتی بود که یاد می‌آید در آن دوران در سطح دبیرستان‌ها، دانشگاه‌ها، فرهنگیان و افکارعمومی کار به‌جایی رسیده بود که از آیت‌الله بهشتی دیگر نمی‌شد دفاع کرد. یعنی حتی بخشی از گروه‌های انقلابی و حزب‌اللهی کم‌کم به‌تردید از شهید بهشتی حرف می‌زدند و می‌گفتند آیا ارزشش را دارد از ایشان دفاع کنیم یا باید عقب‌تر برویم و فقط از خطوط اصلی انقلاب و امام دفاع شود؟ فشار رسانه‌ای در این حد بود. با اینکه ایشان آدم اندیشمند، نظریه‌پرداز، مودب، منطقی، با سعه‌صدر، اهل گفت‌وگو، پرتحمل و عمیقاً یک مجتهد روشنفکر بود ولی چهره بیرونی، رسانه‌ای و اجتماعی ایشان به‌حدی مورد سپه‌پاشی قرار گرفته بود که ایشان را در بخش‌های مهمی از جامعه تبدیل به یک چهره منفور کرده بودند و خون بهشتی بود که ورق را برگرداند و فضا عوض شد و بعد از شهادت ایشان خیلی‌ها شرمند شدند. اگر یادتان باشد امام هم فرمود مهم‌تر از شهادت بهشتی مظلومیت او است. من نگرانم برخی اتفاقاتی که آن سال‌ها افتاد، دوباره با ادبیات و به‌دست کسان دیگری، بازتولید شود. . . . نسل‌ها عوض می‌شوند ولی خطوط‌رها، صورت‌مسأله‌ها و دعوای همان‌هاست. برای اینکه این اتفاق نیفتد که تجلیل صوری از این شهدا شود، از صورت اینها تجلیل شود ولی از سیرت این‌ها به‌درستی تعریف نشود. از این رو در این فرصت مختصری که در اختیار هست حدود ۲۰ کدوازه از بعضی مواضع شهید بهشتی علامت‌زدم که همه مستند به سخنان او و کتاب‌هایی است که دفتر نشر آثار ایشان منتشر کرده است. حتی کسانی که آن زمان در این صف و کنار امثال بهشتی بودند ممکن است الان ندانسته و ناخواسته در صف مقابل قرار بگیرند و یادشان و یادمان برود که اصلاً بر سر چه مسأله‌ای دعوا شد و اینها به شهادت رسیدند.

نخستین کدوازه را از یکی از آخرین سخنرانی‌های شهید آیت‌الله بهشتی در ۱۵ خرداد سال ۶۰ من علامت زده‌ام که حدود ۲۰ روز قبل از شهادت است. ایشان با انجمن‌های اسلامی وزارتخانه‌ها جلسه‌ای دارد و آنچه حدود ۱۰ آسیب‌شناسی برای بچه‌های انقلابی و نیروهایی می‌کند که در انجمن‌های اسلامی و تشکیلات حزب‌اللهی می‌خواهند در برابر صفوف دشمن مقاومت کنند. کدوازه اول این است که ما در جامعه اکثریت هستیم اما داخل

کارآمدی، پاسخگویی، خدمت‌رسانی، لیاقت و مهارت مهم است، از این رو شهید بهشتی می‌گوید بروید نیروها و مدیرهای مومن و متعهد ۱۰ سال آینده را کشف کنید. اگر کم پیدا می‌کنید آنها را تربیت کنید و بسازید. به‌نظر من هیچ‌کس به اندازه شهید بهشتی در کار مدیرشناسی، کشف استعداد و کادرسازی هوشمند و ماهر نبود. می‌گوید ضربه دیگری که من می‌ترسم و احتمال می‌دهم در آینده در حوزه نظام‌سازی بخوریم کم‌سوادای نیروهای انقلاب است. اگر بین نیروهای انقلابی و اسلامی بچه‌های خوب باشند اما مطالعات اسلامی و فنی‌شان در سطحی که بتوانند نظام‌سازی کنند نباشد، ما ضربه سنگینی خواهیم خورد.

در باب شیوه برخورد با دشمن و مخالف می‌گوید ما کوبنده عمل می‌کنیم ولی کوبنده به مفهوم توهین، تحقیر، فحاشی و دیکتاتوری نیست. قاطع هستیم اما متکبر نباید باشیم. می‌گوید بعضی‌ها بین قاطعیت و تکبر اشتباه می‌کنند. می‌خواهند متواضع باشند ضعیف و ضعیف‌النفس می‌شوند. می‌خواهند انقلابی و محکم باشند دیکتاتور، متکبر و خودبزرگ‌بین می‌شوند! ما باید انقلابی باشیم اما خودبزرگ‌بین نباشیم. در مورد شیوه‌های برخورد با مخالف بنشینید یا یکدیگر تبادل نظر کنید، روش‌های درستی را کشف کنید. ما باید دشمنان انقلاب را قاطعانه محکوم کنیم. اما نه به شیوه‌ای که به‌لحاظ منطقی یا اخلاقی خودمان محکوم شویم. نکته بعدی این که می‌گوید من به شما نیروهای انقلاب توصیه می‌کنم که از وقتی که از زمین و آسمان دارند به او فحش می‌دهند. هستیم می‌خواهیم، اشکالات مخالفان را بگوییم، آنهاهی هم که اشکالات ما را می‌گویند چون ما که آنها را دشمن می‌بینیم طبیعتاً گارد‌مان را می‌بینیم، چون می‌خواهیم از خود دفاع کنیم ولی وسط آن فراموش می‌کنیم ما هم واقعا اشکالاتی داریم. ما هم باید خودمان را اصلاح کنیم. ببینید شهید بهشتی چه موقع این حرف‌ها را می‌زند، آن وقتی که از زمین و آسمان دارند به او فحش می‌دهند. به او ایدئولوگ فلاژن‌تست‌ها یا تئورسین قاشیست‌ها، رهبر فکری جناح راست افراطی، نظریه‌پرداز خشونت، رهبر چماق‌داران و متفکر جبهه ارتجاع می‌گفتند! اینها کمترین تعبیری بود که درباره بهشتی به کار می‌رفت. با این حال شهید بهشتی به نیروهای حزب‌اللهی و انقلابی می‌گوید هر هفته حداقل یک روز را باید بگذارید بین خودتان بنشینید و جلسه انتقاد از خود بگذارید که مثلاً ما در مجلس، در دولت، در وزارتخانه یا دادگستری یا رسانه این اشتباهات را کردیم. بهشتی می‌گوید اگر می‌خواهید انقلاب بماند خودتان را نقد کنید. . . . می‌گوید شما چرا صبح جلوی آینه می‌روید، برای اینکه آینه به شما بگوید موهای شما مرتب نیست، لباس‌هایت نامناسب است، از آینه ناراحت می‌شوید، آیا آن را می‌شکند؟ آینه دوست شما است، می‌روید خود را اصلاح می‌کنید که در جامعه خراب نشوید. بعد می‌گوید من می‌ترسم فشارها زیاد و کار سخت شود و مسأله خطر یأس از آینده پیش بیاید. شهید بهشتی می‌گوید من به شما بچه‌ها می‌گویم مومن مایوس نمی‌شود. ما با امید کامل به آینده جلو می‌رویم. هیچ‌کس حق ندارد نامید بشود. هر کسی بگوید ما نمی‌توانیم این کافر است. کفر باطنی است، کفر فقهی نیست که بگوییم مرتد است. مبادا در چهره شما بردارها و خواهرها پزمردگی و افسردگی ببینیم. نه با یک غوره سردی و نه با یک مویز گرمی‌تان کند. . . . می‌گوید مسا باید این نظام را بسازیم، حفظش کنیم،

اشکالاتش را برطرف کنیم و جلوی فساد را در این نظام بگیریم. اگر بخشی از این نظام فاسد شد سریع اصلاحش کنیم. نباید بگذاریم این نظام از مردم فاصله بگیرد که در آن صورت سقوط خواهد کرد. نباید بگذاریم از خدا فاصله بگیرد که فاسد خواهد شد. این نظام خدامحور و مردم‌سالار باید بزرگ‌ترین عبادت را خدمت به مردم بداند.

نکته دیگر این است که دو دیدگاه در حکومت و بین نیروهای انقلابی و مذهبی داریم یک‌عده می‌گویند انقلاب تمام شده است و سراسر زندگی خود برویم و انقلاب را تحویل عده‌ای دهیم، رسید بگیریم و برویم. به مردم بگویید به خانه‌هایتان بروید به مسئولان هم بگوییم انقلاب دیگر تمام شد از این به بعد می‌خواهیم حکومت کنیم. رهبری در بیانیه گام دوم تعبیر خیلی مهمی آنجا کردند که یک‌عده می‌گویند نظام منهای انقلاب، یک عده صحبت انقلاب بدون نظام می‌کنند هر دو اشتباه است. ما اصلاً انقلاب کردیم که نظام بسازیم. انقلاب برای انقلاب که هنر نیست که مدام دور خودت بچرخ. ده‌ها هزار شهید دادیم که نظام بسازیم. پس انقلاب بدون نظام معنی ندارد. اما نظام بدون انقلاب هم فرقی با بقیه نظام‌ها ندارد. یک نظام معمولی می‌شود که کم‌کم فاسد خواهد شد. با همان آدم‌های صاحب ثروت و قدرت، در یک دوره بسا ادبیات مذهبی، در دوره دیگر با ادبیات نیمچه‌مذهبی، بعد از آینده غیرمذهبی و ضدمذهبی سر کار می‌آیند. در همین جمهوری اسلامی و با همین قانون اساسی عمده امام‌راه‌ها [تا] ۳۰ سال دیگر بالای سرشان می‌زنند و درست ضد این مسیر را می‌روند. ۲۲ پهنم را هم جشن می‌گیرند ولی کار خود را می‌کنند. آنجا رهبری تعبیر مهمی داشتند که شعار ما نظام انقلابی است؛ نظام همیشه و تا ابد انقلابی. ما نظام ساختیم باید محکم حفظش کنیم. . . بهشتی می‌گوید شعار ما این است: انقلاب تمام نشده است و نخواهد شد. ما تا ابد انقلابی خواهیم ماند منتها انقلاب در هر مرحله‌ای دارد. انقلابی بودن در دهه ۵۰ زندان، تبعید، مبارزه و . . . بود. انقلابی بودن در دهه ۶۰ نظام‌سازی، حفظ نظام، تثبیت و دفاع از کشور و جنگ و مبارزه با تروریسم بود. انقلابی بودن در دهه‌های بعدی و جلوتر طور دیگری است ولی تا ابد باید انقلابی بمانیم. . . بهشتی می‌گوید ما این است؛ ما را زیر ذره‌بین بگذارید. اگر از ما برخواست طاعونی یا شبه‌طاعونی دیدید جلوی ما بایستید. حق دارید از انقلاب مایوس شوید. اما اگر دیدید ما بر همان شعارها و سبک زندگی انقلابی ماندیم بدانید انقلاب ادامه دارد.